

ای عشق بلرزان تن دنیایی ما را
در زخم پیچان دل سودایی ما را
خنیا گر نوریم در این ساکت تاریک
پر شور کن آواز اهورایی ما را
افسوس در این وسعت بی برگ نفهمید
جز اشک کسی راز شکوفایی ما را
مجبوتر و آواره ترینیم در این دشت
افزونتر از این کن غم لیلایی مارا
بر قله تاریخ از این پس بگذارند
تندیس بلند دل دریایی مارا
کو تنگدلی تا که در این دایره ی تنگ
اندازه کند وسعت تنهایی ما را
رخوت زده بودیم و ببینند زمانی
در خلسه خون رقص تماشایی ما را